



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

# خلاصه اجرایی طرحهای پژوهشی

عنوان طرح: تحولات بین نسلی در زندگی علمی دانشگاهی در ایران

گروه پژوهشی: برنامه ریزی آموزش عالی

مجری: مقصود فراستخواه

ناظر:

سال اجرا: ۱۳۹۶

## خلاصه اجرایی:

مدتهاست که زندگی و کار بار دانشگاهی در ایران محل مناقشه قرار گرفته است. برخی مشاهدات و تجربیات حرفه ای مجری تحقیق و همکارانم به علاوه مطالعات و تأملات مان و نیز گفتگو با هم‌تایان علمی مان در کنار آثار منتشر شده محققان دیگر همه حاکی از این است که عملکرد آموزشی و پژوهشی دانشگاهیان و رابطه آنها با جامعه طی یکی دو دهه اخیر درگیر تغییراتی مهم شده است و بحث انگیز گشته است. برخی دعاوی حکایت از رنگ باختن ارزشهای آکادمیک، هنجارهای علمی یا مسؤولیت‌های دانشگاهی و دیگر تغییرات دارند. مباحث دامنه وسیعی از افت کیفیت تا فساد علمی، از گم شدن مسؤولیتهای فرهنگی تا زوال سرمایه اجتماعی را دربرمی گیرد. برای جامعه ایران این مسائل آن هم در دنیایی که زندگی بیش از پیش دانش‌پسند شده است اهمیت حیاتی دارد. این سؤال پیش می آید که چه دگرگونی‌های بین نسلی در زیست علمی و کار و بار آکادمیک دانشگاهیان در ایران در طی چند دهه اخیر روی داده است، موجبات و زمینه‌های آن چه بود و به چه آثار و پیامدهایی انجامیده است؟ هدف از تحقیق حاضر و سؤالات آن به قرار زیر بوده است:

### اهداف طرح

۱. شناخت دگرگونی‌های نسلی مهم در زیست علمی و کار و بار آکادمیک دانشگاهیان در ایران از دهه ۵۰ تا دهه ۹۰ (حدود نیم قرن)
۲. شناسایی موجبات و زمینه‌های تحولات نسلی
۳. شناسایی راهبردهایی که نسل‌های دانشگاهی در اثنای این تحولات اتخاذ می کنند ؟
۴. بررسی آثار و پیامدهای این تحولات و راهبردها
۵. تولید فکر و تهیه توصیه‌های راهبردی و سیاستی لازم برای سیاستگذاران و عاملان اجتماعی

### سؤالات

۱. مهم‌ترین دگرگونی‌های نسلی در زیست علمی و کار و بار آکادمیک دانشگاهیان در ایران به استناد شواهد لازم از دهه ۵۰ تا دهه ۹۰ (حدود نیم قرن) چه بود؟
۲. تحولات نسلی دانشگاهیان در زیست علمی و کار و بار آکادمیک تحت تأثیر چه عوامل اجتماعی و موجبات و زمینه‌ها به وجود می آمد؟
۳. نسل‌های دانشگاهی در زیست علمی و کار و بار آکادمیک خود چه راهبردهای عمده ای در بحبوحه این تحولات اتخاذ می کردند ؟
۴. آثار و پیامدهای این تحولات و راهبردها چه بود؟

### روش تحقیق، جامعه و نمونه و ابزار تحقیق

تحقیق با روش گراند تئوری (نظریه برپایه) «GT» صورت گرفته و مشارکت کنندگان در تحقیق پس از مصاحبه‌های اولیه با خبره‌ها و بررسی در تیم تحقیق، نهایتاً چارچوب نمونه هدفمندی از میان استاد تمام‌های سه دانشگاه جامع در تهران

(دانشگاه های تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی) انتخاب شدند و داده های لازم از طریق مصاحبه های اکتشافی عمیق و نیمه ساختمند در حد اشباع نظری فراهم آمده اند و به روش سی سی دی ای با استفاده از نرم افزار اطلس تی آی تحلیل شده اند.

#### نمونه گیری

امکان گردآوری داده‌ها از همه افراد جامعه مورد نظر به دلیل محدودیت‌هایی مانند زمان و سایر منابع، وجود ندارد. بنابراین برای گردآوری داده‌ها باید اقدام به نمونه برداری از افرادی کرد که با موضوع و هدف پژوهش مرتبط‌اند. در پژوهش حاضر از نمونه گیری هدفمند و نظری به‌طور هم‌زمان استفاده شده است. از نمونه گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه که خصوصیات مورد نظر تحقیق را دارا باشند. به همین منظور برای شروع کار لیستی از اساتید دارای شرایط در پژوهش تهیه شد.

#### مشارکت کنندگان در تحقیق

مشارکت کنندگان نسل اول در این دانشگاه‌ها شامل ۱۷ استاد مرد متولدین ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۷ هستند و در گروه سنی حوالی ۶۰ سال و بالاتر قرار دارند. اینان در سالهای ۱۳۵۱ تا حداکثر ۱۳۶۷ یعنی دهه قبل از انقلاب یا دهه بعد از آن دوره‌های انقلاب فرهنگی و جنگ تحمیلی جذب دانشگاه شده و در رشته‌های مختلف به عضویت هیئت علمی در آمده‌اند. اکثر آنها یعنی ۱۳ نفر دکترای خود را و بخشی از آنها یعنی ۷ نفر فوق لیسانس خود را نیز از دانشگاه‌های خارجی عمدتاً آمریکا، انگلستان، فرانسه و استرالیا اخذ کرده‌اند.

مشارکت کنندگان نسل دوم در این دانشگاه‌ها شامل ۱۴ استاد غالباً مرد متولدین دهه ۱۳۰ تا حداکثر نیمه ۴۰ (۱۳۴۵) هستند و در گروه سنی ۵۰ سال تا حوالی ۶۰ سال قرار دارند اینان بعد از جنگ تحمیلی تا نیمه دهه ۷۰ (حداکثر تا ۱۳۷۴) جذب دانشگاه شده و در رشته‌های مختلف به عضویت هیئت علمی در آمده‌اند. باز هم اکثر آنها یعنی ۹ نفر دکترای خود را و بخشی از آنها یعنی ۵ نفر فوق لیسانس خود را نیز از دانشگاه‌های خارجی اخذ کرده‌اند که در این میان تنها یک مورد دانشگاه آمریکایی (نیویورک) بود و بقیه شامل دانشگاه‌های اروپایی (غربی و شرقی)، کانادایی، ژاپن و هند می‌شد.

مشارکت کنندگان نسل سوم در این دانشگاه‌ها شامل ۸ استاد مرد و عمدتاً متولدین دهه ۲۴۰ تا اوایل ۵۰ (۱۳۵۳) هستند و غالباً در گروه سنی چهل و چند سال تا ۵۵ سال قرار دارند. اینان بعد از نیمه دهه ۷۰ تا حداکثر ۱۳۸۱ جذب دانشگاه شده‌اند و در رشته‌های مختلف به عضویت هیئت علمی در آمده‌اند. تعداد کمی از آنها دکترای خود را از دانشگاه‌های اروپا و کانادا و بقیه آنها دکترای خود را از دانشگاه‌های تهران و همه آنها نیز فوق لیسانس خود را از دانشگاه‌های تهران اخذ کرده‌اند.

#### نسل های سه گانه

در جدول زیر سه نسل بر مبنای دوره رشد و تربیت کودکی و نوجوانی تحصیلات تا قبل از دانشگاه، خاطرات جوانی و دانشجویی و تجربه تحصیلات عالی، مسیر تحصیلی، سابقه عضویت در هیئت علمی، نخستین تکانه‌های زندگی و حسرت‌های احتمالی مقایسه شده‌اند:

1 - یک نفر متولد ۱۳۲۹

2 - یک نفر متولد ۱۳۳۷

ملاک های مقایسه بین نسلی	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم
دوره رشد و تربیت کودکی ونوجوانی و تحصیلات ماقبل دانشگاه	قبل از انقلاب دهه ۳۰ و ۴۰ و بعضاً ۵۰ ناسیونالیسم ایرانی و نوسازی و رشد نفتی	قبل از انقلاب دهه ۴۰ و ۵۰ نوسازی و رشد نفتی	قبل وبعد از انقلاب دهه ۵۰ و ۶۰ دوره انقلاب و جنگ
خاطرات جوانی ودانشجویی و تجربه تحصیلات عالی  لیسانس	دهه ۴۰ و ۵۰ دانشگاه دست نخورده قبل از انقلاب الگوهای جهانی وغربی دانشگاهی جنبش دانشجویی وروشنفکری	دهه ۵۰ و ۶۰ قبل وبعد انقلاب	دهه ۶۰ جنگ تحمیلی
فوق لیسانس	دهه ۵۰ و ۶۰ دانشگاه در تب انقلاب (قبل وبعد انقلاب) انقلاب و انقلاب فرهنگی جنگ تحمیلی	عمدتاً دهه ۶۰ لنقلاب فرهنگی و جنگ تحمیلی	دهه ۷۰ سیاستهای تبدیل، سازندگی و اصلاحات فناوری اطلاعات وارتباطات
دکتری	عمدتاً دهه ۶۰ و ۷۰ دوره انقلاب فرهنگی، جنگ تحمیلی و سالهای پس از آن	عمدتاً دهه ۶۰ سیاستهای تعدیل و دوره سازندگی و اصلاحات فناوری اطلاعات وفناوری	عمدتاً دهه ۷۰ و گاهی ۸۰ دوره اصلاح و پسا اصلاح فناوری اطلاعات و ارتباطات

ملاک های مقایسه بین نسلی	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم
سرعت مسیر تحصیلی بر حسب سال	مضرب ده سال	بین لیسانس و فوق لیسانس کمتر از ده سال	بین فوق لیسانس و دکتری مضرب کمتر از ده سال
سابقه هیئت علمی	عمدتاً در دهه ۶۰ و بعضاً در قبل از انقلاب انقلاب- انقلاب فرهنگی- جنگ تحمیلی	عمدتاً در دهه ۷۰ در دوره تعدیل و سازندگی	عمدتاً در دهه ۸۰ دوره اصلاحات
نخستین تکانه‌ها (شوک‌های) مواجهه شده	۱- انقلاب و آرمانخواهی ۲- جنگ ۳- آتش بس و تغییرات سیاسی پس از آن	۱- انقلاب و آرمانخواهی ۲- جنگ ۳- تحولات اجتماعی ۴- فناوری اطلاعات و ارتباطات	۱- جنگ ۲- تحولات اجتماعی ۳- فناوری اطلاعات و ارتباطات ۴- نسل Y و Z
تحسر (نوستالژی) به ترتیب	۱- نهضت ملی ۲- نوسازی ۳- مفهوم جهانی دانشگاه و علم مدرن ۴- جنبش دانشجویی ۵- انقلاب ۶- جنگ تحمیلی	۱- نوسازی / دانشگاه مدرن ۲- دانشجوی انقلابی ۳- انقلاب فرهنگی ۴- جنگ تحمیلی ۵- سازندگی / اصلاحات	۱- انقلاب ۲- جنگ تحمیلی ۳- سازندگی ۴- اصلاحات

ابزار تحقیق

بنا به ماهیت موضوع تحقیق از مصاحبه های اکتشافی عمیق و نیمه ساختمند استفاده شده است. قبل از انجام مصاحبه ابتدا از طریق سایت دانشگاه‌ها سوابق علمی و پژوهشی استادان دریافت و در حین مصاحبه به روز رسانی می‌شد. سپس برای انجام



مصاحبه باید از قبل وقتی تعیین می‌شود. در این زمینه ابتدا از طریق ایمیل دانشگاهی برای تمامی اساتید منتخب ایمیلی حاوی معرفی تحقیق همراه با درخواست تعیین وقت ارسال گردید اما از این طریق کمترین موفقیت جهت تعیین زمان مصاحبه حاصل شد. به همین جهت از طریق تلفن اقدام شد که پاسخگویی در این زمینه نیز چندان کارساز نبود. لذا با حضور در میدان دانشگاه و مراجعه به اتاق اساتید، تعیین وقت برای انجام مصاحبه صورت گرفت. در بعضی موارد همکاری اساتید عالی بود و در همان مراجعه اولیه مصاحبه انجام می‌شد اما در بعضی موارد نیز سختی‌هایی داشت که باید با صبر و حوصله کار انجام می‌شد؛ از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: عدم حضور استاد در قرار ملاقات جهت مصاحبه، به هم زدن قرار مصاحبه در روز قبل یا همان روز مصاحبه، دادن تلفن برای تعیین وقت و پاسخ ندادن به آن، تاخیر انداختن مکرر زمان مصاحبه، عدم همکاری در انجام مصاحبه، ارجاع دادن به اساتید دیگر، تعیین وقت محدود و عدم امکان پرسش تمامی سوالات و بسیاری از ناملایمات جمع آوری داده‌ها که خود تجربه‌ای ارزنده در وادی پژوهشگری است.

شیوه‌ها و فنون و مراحل تفصیلی روش تحقیق و گردآوری داده‌ها

علی‌رغم همه مشکلات، با توجه به این که مجری و همکاران تا حدودی با جامعه مورد مطالعه آشنایی دارند، وارد میدان مطالعه شده و مانند سایر پژوهش‌های کیفی از مصاحبه نیمه استاندارد یا نیمه ساختار یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده‌اند. به این ترتیب، سوال‌ها در یک راهنمای مصاحبه با تمرکز بر روی مسائل مربوطه و مسیرهایی که باید پیگیری شود، گنجانیده شد. توالی پرسش‌ها برای همه پاسخگویان مثل هم نبود و به فرایند مصاحبه و پاسخ‌های هر فرد بستگی داشت. اما راهنمای مصاحبه به پژوهشگر اطمینان می‌داد که انواع مشابهی از داده‌ها را از همه آگاهی دهندگان گردآوری کند و درباره این که کدام موضوع را دنبال کند تصمیم بگیرد. بدین ترتیب اطلاعات مورد نیاز برای داده‌پردازی از مصاحبه شونده‌گان گردآوری شد. البته دستیابی به این اطلاعات کار آسانی نبود و گاهی یک مصاحبه حدود دو ساعت به طول می‌انجامید تا پاسخ کاملی دریافت شود.

مصاحبه با تاکید بر لیست اولیه پیگیری می‌شد اما هم‌زمان از اساتید دیگری که شرایط مورد نظر نمونه را داشتند برای مصاحبه انتخاب می‌شدند. علی‌رغم تلاش زیاد برای مصاحبه با لیست اولیه حدود نیمی از آنها مورد مصاحبه قرار گرفتند ولی نیمی دیگر به دلایل مختلفی از جمله عدم دسترسی، عدم تمایل به مصاحبه و سایر موارد کنار گذاشته شده و از اساتید جایگزین برای مصاحبه اقدام به عمل آمد. مصاحبه با تمام سختی‌هایی که داشت، با قوت تمام پیش می‌رفت و آشنایی با اساتید مختلف و زندگی علمی آنها دلگرمی خاصی بود تا ادامه راه هموارتر شود، بخصوص بعد از مصاحبه با اساتیدی که با صبوری و دقت تمام به سوالات پاسخ می‌دادند. در ضمن انجام مصاحبه، علاوه بر سوال‌های راهنمای مصاحبه، با در نظر گرفتن پاسخ‌های داده شده، پرسش‌های دیگری نیز مطرح می‌شد تا بتوان به عمق یافته‌ها دست پیدا کرد. در ضمن به مصاحبه شونده‌گان فرصت داده می‌شد تا در باره‌ی آنچه که از دید خودشان مهم است، بیشتر صحبت کنند.

در پژوهش حاضر از نمونه‌گیری هدفمند و نظری به‌طور هم‌زمان استفاده شده است. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه که خصوصیات مورد نظر تحقیق را دارا باشند. به عبارت دیگر برای گردآوری اطلاعات باید در میدان مطالعه (دانشگاه) به سراغ استادهایی رفت که دارای ویژگی‌های مورد نظر باشند. در نمونه‌گیری اولیه در این پژوهش، ابتدا بر اساس سوالات راهنمای تحقیق مصاحبه با استادانی که اسمشان در لیست از پیش تعیین شده بود شده است و با شروع مصاحبه در زمینه‌های مربوطه به گردآوری داده‌ها پرداخت تا مقوله‌هایی ضمن مصاحبه پدیدار گردند. در صورت عدم تمایل استاد به مصاحبه، با توجه به روش گلوله برفی در تحقیقات کیفی، از او تقاضا می‌شد تا فرد دیگری را معرفی نمایند که قابلیت جایگزینی با وی را داشته باشد. در غیر این همکار تحقیق با حضور در صحنه دانشگاه و با توجه به ویژگی‌های مورد نظر و همچنین نسل بندی از پیش تعیین شده به انتخاب استاد که حاضر به مصاحبه باشد پرداخته و مصاحبه ادامه می‌یافت.



یکی از سختی‌های این پژوهش این بود که تحقیق به تفکیک سه نسل انجام می‌شد و نه تنها باید روی مقوله‌های مربوط به فرهنگ استادان متمرکز می‌شدیم بلکه باید در هر نسل به مقوله‌های خاص آن نیز توجه می‌کردیم تا بتوانیم به مقایسه نسل‌ها بپردازیم و تفاوت بین آن‌ها را دریابیم. لذا بعد از انجام مصاحبه با چند نفر از هر نسل و دست‌یابی به مقوله‌های بیشتر، مصاحبه‌ها در جهت گسترش، غنا بخشیدن و تراکم و غلظت مقوله‌ها متمرکز شد و انسجام یافت. در فرایند تحقیق و تحلیل داده‌ها و نیز بر مبنای مسئله و سوال تحقیق و مقایسه پاسخ‌ها با یکدیگر نمونه‌های بیشتری انتخاب و به منظور پرورش و اشباع مقوله‌ها، مصاحبه با استادان دانشگاه ادامه یافت. فرایند گردآوری داده‌ها برای خلق نظریه به قسمی پیش رفت که به‌طور پیوسته داده‌های جمع‌آوری شده و ادامه یافت تا به اشباع نظری برسد. مصاحبه در دو دانشگاه تهران با ۱۹ نفر و تربیت مدرس با ۲۲ نفر تا حدی راهگشای کد گذاری و یافتن مقوله‌ها بود. قاعده کلی بر مبنای اصل اشباع ۳ این است که «نمونه‌گیری تا موقعی که هر مقوله به اشباع نظری برسد، ادامه دارد» (گلیسر و استراوس، ۴، ۱۹۶۷؛ محمد پور، ۱۳۹۰، ج ۲). برای اطمینان بیشتر و همچنین رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه با استادان مورد نظر در دانشگاه شهید بهشتی با ۱۱ نفر به پایان رسید. در واقع مصاحبه تا جایی ادامه یافت که مصاحبه‌شوندگان پاسخ‌های مشابه نفرات قبلی می‌دادند و ادامه کار به نوعی تکراری بود. نمونه‌گیری از آگاهی دهندگان با انجام هماهنگی‌های لازم طی سال ۱۳۹۵ انجام پذیرفته است.

در انجام مصاحبه، علاوه بر سوال‌های راهنمای مصاحبه، با در نظر گرفتن پاسخ‌های داده شده، پرسش‌های دیگری ضمن مصاحبه مطرح شد تا به عمق یافته‌ها دست یابیم زیرا در مصاحبه نیمه ساختاریافته، مصاحبه‌گر از آزادی و اختیار کافی برخوردار است و در فرایند کسب اطلاعات، با توجه به پاسخ‌ها مسیره‌های تازه‌ای را پیش‌رو قرار دهد. همچنین در این نوع مصاحبه با انعطاف‌پذیری لازم، به مصاحبه‌شوندگان امکان می‌دهد به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دید آن‌ها دارای اهمیت است. در این پژوهش نیز چنین عمل شد و به آگاهی‌دهندگان فرصت داده شد تا آنچه که از دید خودشان مهم است، بیشتر صحبت کنند.

برای دستیابی به اطلاعات مفید و مرتبط با موضوع در تحقیقات کیفی ابتدا باید:

بر اساس سوال‌های اصلی تحقیق و چارچوب مفهومی موضوع مورد مطالعه، ابعاد و حوزه‌های مورد بررسی شناسایی و تعیین شود.

سپس پرسش از این ابعاد و حوزه‌ها در قالب سوالات، راهنمای مصاحبه‌ها را تشکیل می‌دهد.

در مصاحبه نیمه ساختاریافته، فهرستی از پرسش‌ها یا موضوع‌های مورد نظر را تهیه شد که این فهرست «برگه راهنمای مصاحبه» ۵ خوانده می‌شود.

برای طی کردن مسیر تحقیق و رسیدن به یک الگوی نظری، مصاحبه‌های انجام شده به ترتیب شماره مصاحبه در نسل‌های سه گانه تنظیم شدند. بعد از پیاده کردن هر مصاحبه، متن آن تایپ و آماده داده‌پردازی گردید. معمولاً در تحقیقات کیفی استخراج

---

### 3. Saturation Principle

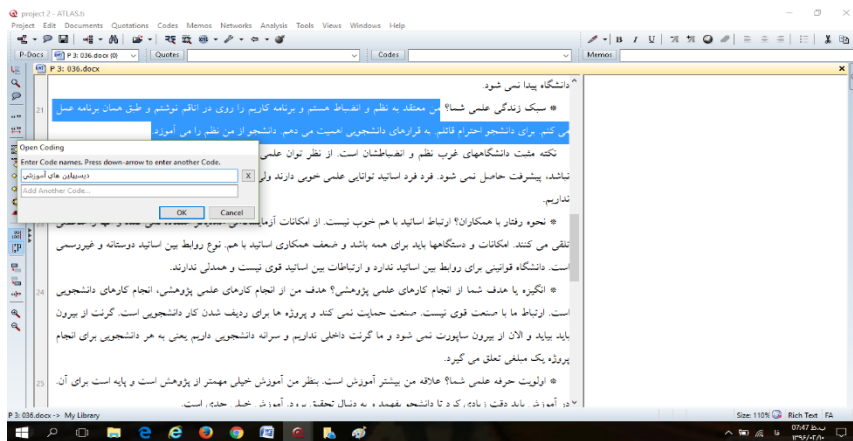
### 4. Glaser

### 5. Interview guide

داده‌ها به صورت دستی انجام می‌شود اما در این پژوهش به منظور انجام عملیات داده پردازی برای افزایش اعتبار تحقیق، کد گذاری داده‌ها، مقوله بندی و رسیدن به الگوی تحلیلی برپایه دادگان متن از نرم افزار اطلس تی آی ۶ استفاده می شود.

این نرم افزار قابلیت تفکیک متن به کدهای باز و سپس هم خانواده سازی آن‌ها را دارد و در نهایت با شبکه سازی، امکان تقلیل داده‌ها و ترکیب کدها را فراهم نموده و مجری و همکاران را قادر به انجام تحلیل کرده و به سمت مدل نظری هدایت می‌کند. فرایند جداسازی، مفهوم بندی و ادغام و یکپارچه کردن داده‌ها طی سه مرحله کد بندی باز، محوری و انتخابی به وسیله نرم افزار فوق انجام شده است. از مزایای این نرم افزار تعیین نوع ارتباط بین کدها و دسترسی آسان به کدهای باز، کدهای هم خانواده (مقوله‌ها) و شبکه‌های ارتباطی بین مقوله‌ها می‌باشد. بدین ترتیب مشکل به خاطر سپردن حجم زیاد اطلاعات نیست و در بین داده‌های فراوان خود سر در گم نمی‌شویم. علاوه بر این در هر مرحله از کد گذاری و تحلیل امکان افزایش، کاهش و تغییر کدها و مقوله‌ها وجود دارد. برای آشنایی با این نرم افزار مراحل انجام کار همراه با تصاویری از آن توضیح داده می شود؛ در انتخاب نرم افزار از آخرین ورژن کاربردی موجود یعنی اطلس تی آی ۷.۵.۱۵ استفاده شده است.

در این پژوهش، برای تسهیل در کد بندی، مقوله بندی و برای جلوگیری از عدم تداخل مفاهیم و مقوله‌های سه نسل مورد مطالعه، انجام سایر عملیات نظریه برپایه و همچنین مقایسه بهتر نسل‌ها با یکدیگر، برای هر نسلی پروژه‌ی جداگانه‌ای اختصاص یافت. به عبارت دیگر از محیط نرم افزاری جداگانه‌ای (اطلس تی آی ۷۱ برای نسل اول، اطلس تی آی ۸۲ برای نسل دوم و اطلس تی آی ۹۳ برای نسل سوم) استفاده شد. لذا بعد از انجام مصاحبه با هر یک از استادان سه نسل، متن تایپ و تایید شده آن با همان کد مصاحبه ضبط شده نام گذاری شده و با توجه به تفکیک نسلی در قالب سه فایل (نسل اول، نسل دوم و نسل سوم) جدا سازی شدند و از طریق مسیری که متن مصاحبه هاست وارد محیط نرم افزاری مربوطه شد که در اشکال زیر نمایش داده شده است.



شکل: کدگذاری باز در نرم افزار اطلس تی آی در نسل ۲

## 6 . Atlas-ti

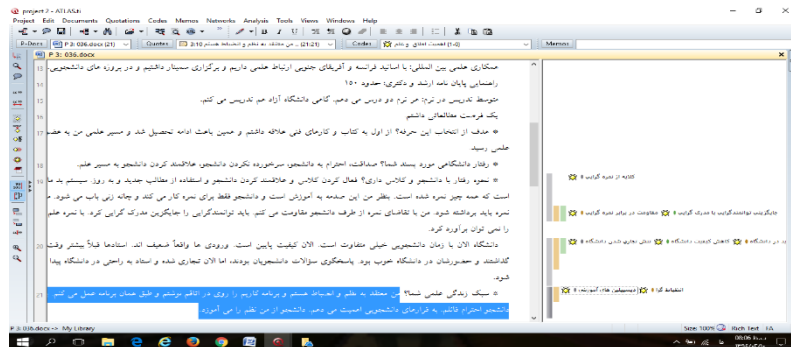
## 7. Project 1 ATLAS ti

## 8. Project 2 ATLAS ti

## 9. Project 3 ATLAS ti

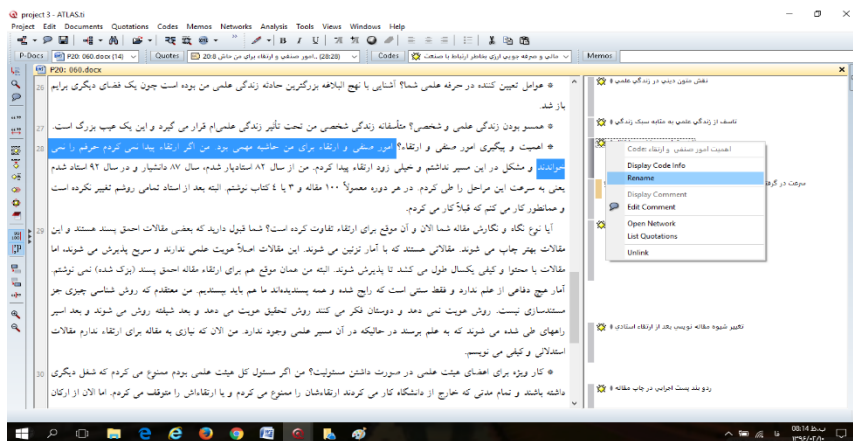


بعد از تایپ عنوان در پنجره مربوطه با زدن دکمهٔ تایید (OK) مفهوم هم در سمت راست آن صفحه و هم در لیست کلی کدهای باز ثبت می‌شود. در ادامه کار و روند مقایسه و تحلیل داده‌ها، به پدیده‌های مشابه برچسب یکسانی داده شد.



شکل: کدگذاری باز در نرم افزار اطلس تی آی در نسل ۲

از محاسن این نرم افزار این است که حذف، تغییر و یا اصلاح مفهوم در هر مرحله‌ای امکان‌پذیر است. چنانچه با ورود مصاحبه‌های بعدی مفهوم بهتری برای جملات یا عبارات مشابه به ذهن رسید، می‌توان مفاهیم قبلی را تغییر داد یا اصلاح نمود. همچنین ممکن است بعد از کد گذاری مصاحبه‌ها چنین بنظر برسد که کدهای قبلی (کدهای مربوط به مصاحبه‌های قبلی) اضافه است و نیازی به وجود آن‌ها نیست، می‌توان به مصاحبه قبلی برگشت و آن کد را حذف نمود یا از طریق لیست کدهای باز به مفهوم مربوطه مراجعه و آن را حذف کرد.



شکل: اصلاح، تغییر یا حذف کدها در نرم افزار اطلس تی آی در نسل ۳

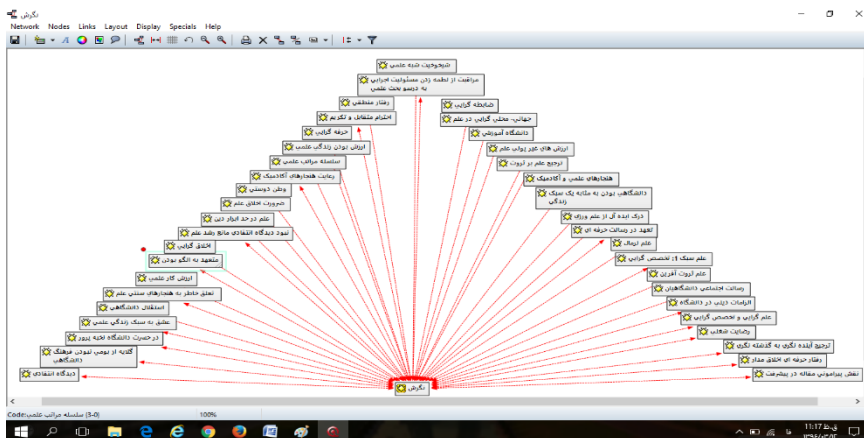
در مرحله بعد، کد گذاری محوری آغاز گشت؛ در این مرحله بر اساس اشتراکات، تشابهات یا هم‌پوشانی معنایی که مفاهیم یا یکدیگر داشتند، به هم ارتباط داده شدند و مقوله‌ها در هر سه نسل عنوان گذاری شدند.



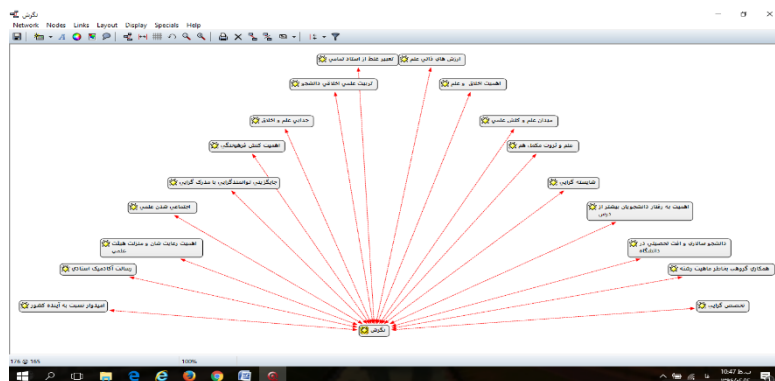
با توجه به تعیین نوع رابطه‌ای که بین مقوله و مفاهیم هم خانواده‌اش، یک شبکه ارتباطی ۱۱ بین مفاهیم مشابه و مقوله جدید ایجاد می‌گردد و اشکال مربوط به آن‌ها از طریق نرم افزار یاد شده ترسیم می‌شود. این اشکال تنها نمونه‌ای از عملیات انجام شده می‌باشد و این مراحل برای تک تک مقوله‌ها و مفاهیم مربوطه و به تفکیک هر سه نسل انجام شده است.

شکل ۷: شبکه ارتباطی بین مقوله با مفاهیم مربوطه (جامعه پذیری علمی از نسل دوم)

برای رسم نمودار بین کدها با مقوله مورد نظر با استفاده از دکمه مربوطه ۱۲ می‌توان شبکه ارتباطی آنها را در صفحه نمایش مشاهده نمود. این مقوله در سه نسل زیر نمایش داده شده است.



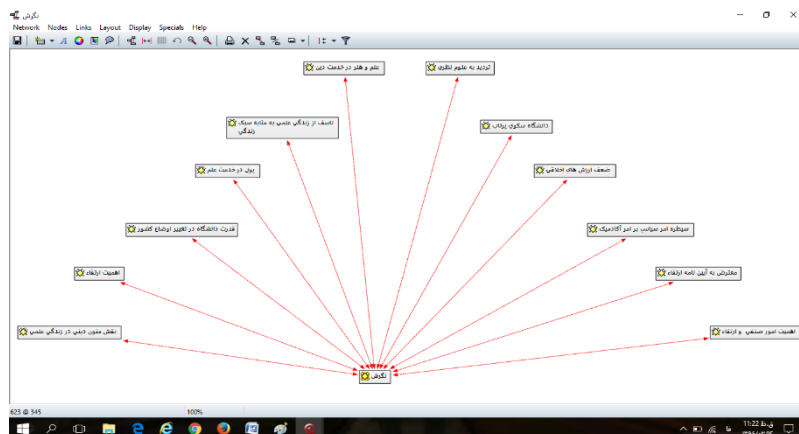
شکل: کد گذاری محوری در نرم افزار اطلس تی



شکل: شبکه ارتباطی مقوله نگرش نسل ۲

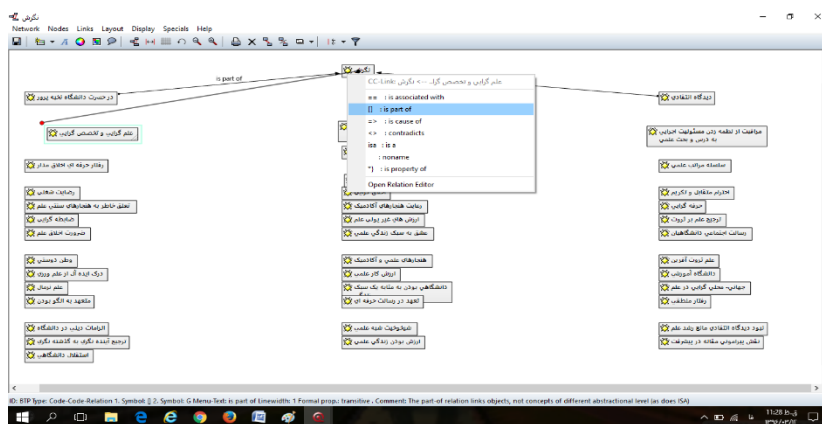
11. network

12 . Make semantic layout



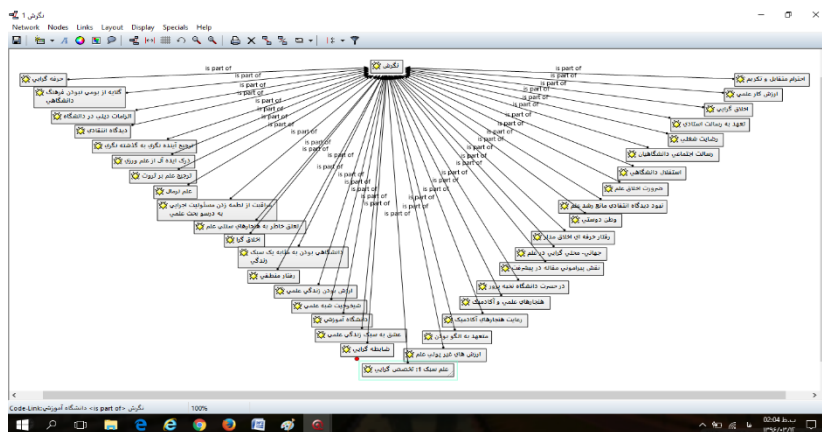
شکل: شبکه ارتباطی مقوله نگرش نسل ۳

در صورتی که بخواهیم روابط بین مقوله و کدها را نیز تعیین کنیم می‌توانیم در صفحه ای که کدهای مربوط به یک مقوله گرد هم آمده‌اند، قبل از اینکه بین آنها شبکه ایجاد کرد، با کلیک روی کد مربوطه و انتخاب آن با استفاده از ایکن بالای صفحه ۱۳ خطی ایجاد می‌شود که به سمت مقوله رفته و در پنجره ای که ظاهر می‌شود نوع رابطه بین آنها را تعیین کرد.



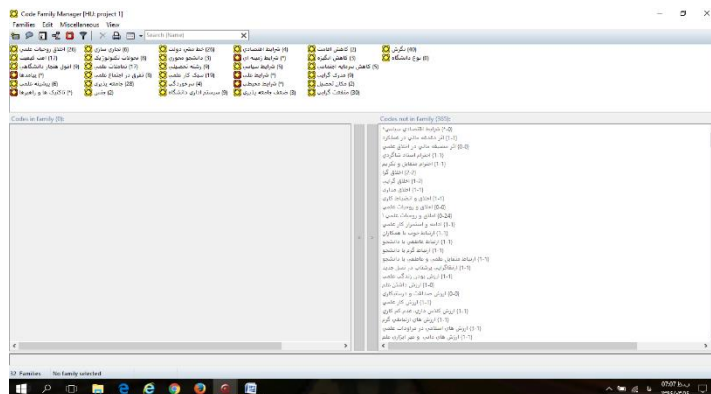
شکل: تعیین نوع ارتباط بین مقوله نگرش با مفاهیم مربوطه

پس از اینکه رابطه بین تمام کدها با مقوله مربوطه مشخص شد با زدن دکمه مربوطه ۱۴ از بالای صفحه و فیکس کردن آن در صفحه با دکمه فیت ۱۵ شکل منظمی از آن در صفحه مورد نظر نمایان می‌شود. برای نمایش انواع ارتباط بین مقوله‌ها با مفاهیم مربوطه همان مقوله نگرش در نسل اول نمایش داده می‌شود.



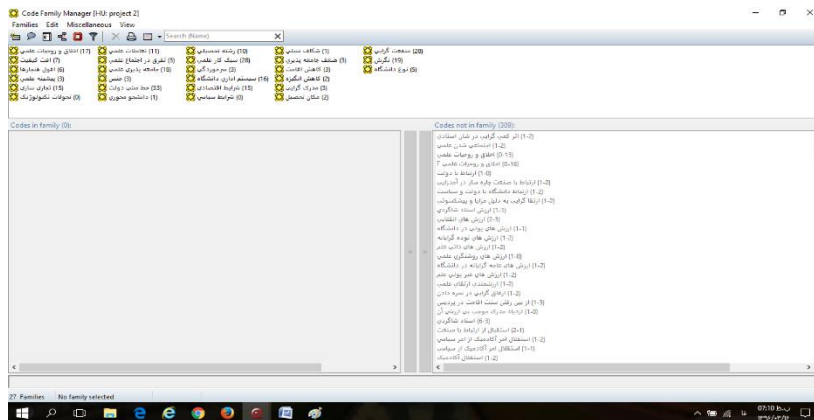
شکل: نوع ارتباط بین مقوله نگرش با مفاهیم مربوطه در نسل ۱

برای اطلاع از تمامی مقوله‌ها و تعداد کدهای هر یک می‌توان از ایکن بالای صفحه اصلی نرم افزار با کلیک روی اولین دکمه ۱۶ یا از صفحه مدیریت خانوادگی نرم افزار نیز استفاده کرده و آنها را در منوی مربوطه مشاهده نمود. این منو برای هر سه نسل در شکل‌های زیر نشان داده شده است. در همین صفحه می‌توان مقوله‌های محوری را در ذیل مقوله‌های اصلی ۱۷ تعریف و گردآوری کرد که بعداً توضیح داده می‌شود.

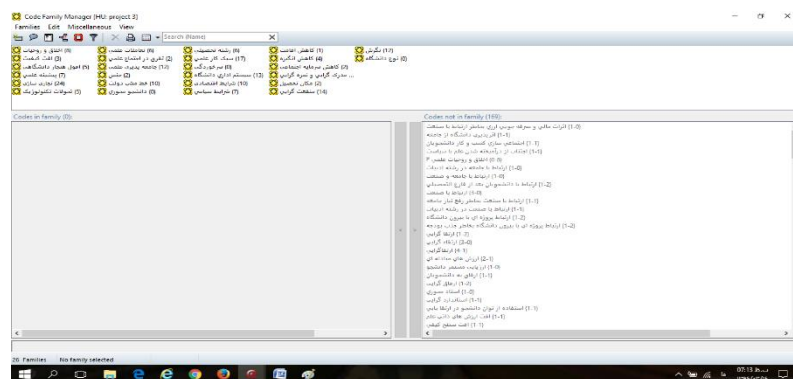


شکل: مقوله‌ها و تعداد کدهای مربوطه در نسل ۱

- 14 . Make semantic layout
- 15 . Fit network view contents to current window
- 16 . Open on editor on an existing network view
17. Main Categories



شکل: مقوله‌ها و تعداد کدهای مربوطه در نسل ۲



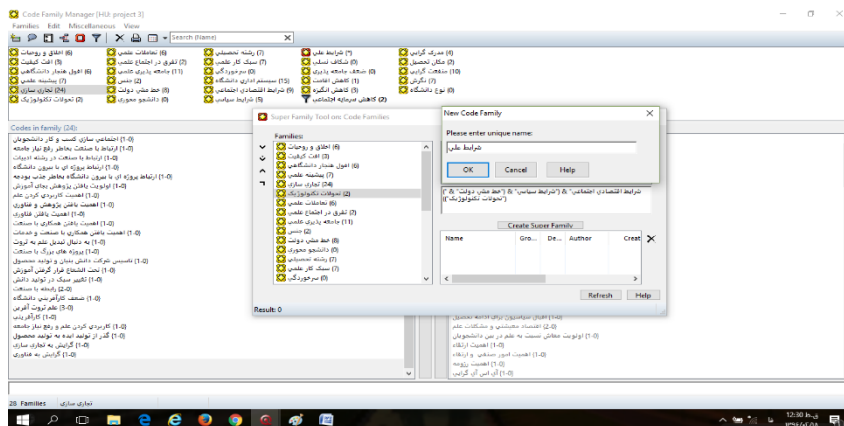
شکل: مقوله‌ها و تعداد کدهای مربوطه در نسل ۳

لازم به ذکر است که انتخاب مفاهیم، مقوله‌ها و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و هم خانواده سازی و شبکه بندی آن‌ها با مدیریت و داده‌پردازی صورت گرفته است و این نرم افزار در نظم و انسجام بخشی به داده‌ها جهت تحلیل و رسیدن به مدل پارادایمی یاری رسان بوده است.

برای دقت بیشتر و توصیف دقیق‌تر و اطمینان از اعتبار کد گذاری، با ورود اطلاعات مربوط به مصاحبه جدید کد گذاری کنترل و مورد بازبینی قرار گرفت. همچنین با انجام هر مرحله از کد گذاری در نرم افزار اطلس تی آی، کد گذاری دوباره بازنگری شد. در مرحله هم‌خانواده سازی یعنی مرحله کد گذاری محوری این بازبینی در هر سه نسل و بین نسل‌های مورد مطالعه به اوج خود رسید. زیرا اشتباه در این مرحله می‌تواند به ناکامی در نظریه برپایه منتهی شود.

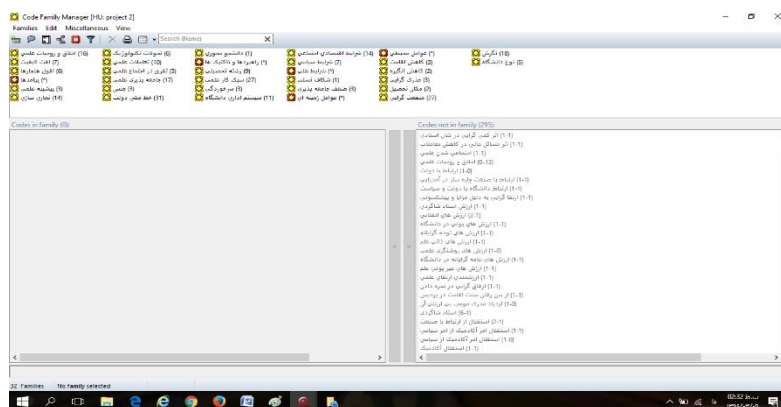
بعد از تعیین مقوله‌های محوری، کد گذاری انتخابی انجام می‌شود که از این طریق مقوله‌های اصلی تعیین می‌شوند. این مرحله از کد گذاری که مرحله نهایی است، در نرم افزار اطلس تی آی با عنوان خانواده مافوق ۱۸ مطرح است. برای انجام این کار با باز کردن لیست مقوله‌های محوری، مقوله‌های مشابه و هم خانواده را انتخاب کرده و در صفحه جدیدی که به همین منظور طراحی شده، هدایت می‌شوند. با تعیین نوع رابطه بین مقوله‌ها صفحه دیگری باز می‌شود تا نام مقوله اصلی در آنجا تایپ شود. برای نمونه شکل زیر «شرایط علی» عنوان انتخابی برای مقوله‌های شرایط اقتصادی، شرایط سیاستی، خط مشی و سیاست‌های

دولت و تحولات تکنولوژیک است. با تایید مقوله اصلی، آن مقوله با رنگ قرمز در بالای همان صفحه در کنار مقوله های محوری که با رنگ زرد مشخص شده اند، می نشیند.



شکل: کد گذاری انتخابی در نرم افزار اطلس تی آی (شرایط علی نسل ۳)

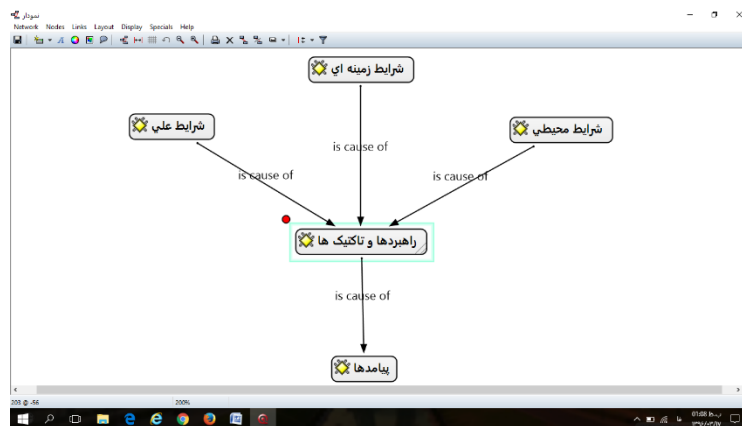
بعد از تعیین مقوله های اصلی، آنها با رنگ قرمز در منوی مقوله های محوری نمایان می شوند. در شکل زیر پنج مقوله اصلی شرایط علی، شرایط محیطی، شرایط زمینه ای، تاکتیک ها و راهبردهای عاملان و پیامدهای حاصله در منوی مقوله های محوری نمایان است.



شکل: تعیین مقوله های اصلی در نرم افزار اطلس تی آی

به این ترتیب مقوله های اصلی که در سطحی انتزاعی تر نسبت به مراحل قبلی قرار دارند و باید دارای قدرت تحلیلی بوده و شمول معنایی آن ها در حدی باشد که بتوانند مقوله های دیگر را نیز در خود بگنجانند. انجام آخرین مرحله کدبندی مستلزم دقت فراوان است چرا که این مقوله ها شرایط، تعاملات و پیامدها را به تصویر می کشد و پژوهشگر را به سمت مدل نظری هدایت می کند.

طبق رسم نمودار بین مقوله ها با کدهای مربوطه، که پیش از این توضیح داده شد، روابط بین مقوله های اصلی نیز به همان ترتیب رسم می شوند که نمونه آن در شکل زیر آمده است.



شکل: روابط بین مقوله‌های اصلی در نرم افزار اطلس تی آی

به این ترتیب، با تعیین مقوله‌های اصلی می‌توان مدل نظری برپایه‌ها را ترسیم نمود و به روایت داستان پژوهش پرداخت. کار کد گذاری باز روی سه پروژه (نسل اول، نسل دوم و نسل سوم) از دو دانشگاه تهران و تربیت مدرس انجام شد. با رفت و برگشت در مرحله کد گذاری باز، سعی شد مفاهیم مناسب و مشابه در هر سه نسل انتخاب شود تا در تحلیل و مقایسه مشکلی پیش نیاید.

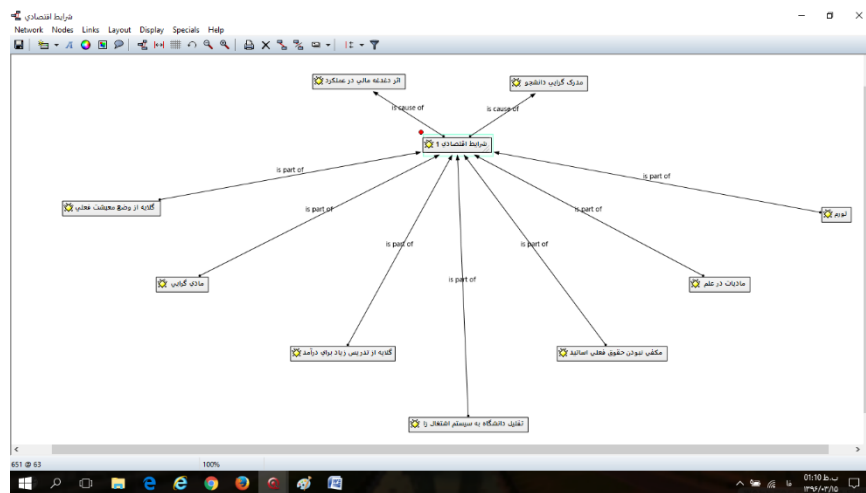
در هر نسل مقوله بندی کدهای باز صورت گرفت و تعداد خاصی مقوله از مجموعه فراوان کد باز استخراج گردید. به عبارت نرم افزاری هم خانواده سازی در نسل اول انجام شد. این هم خانواده سازی به خاطر زیاد بودن مقوله تجمیع و کاهش می‌یابد؛ به طور مثال هریک از مقوله‌های «دکتری»، «کارشناسی ارشد» و «کارشناسی» حول مقوله کلی تری به نام تحصیلات هم خانواده سازی می‌شوند. گزارش تصویری و نوشتاری آن با استفاده از خروجی‌های نرم افزار در نسخه‌های مختلف ضمیمه این گزارش می‌گردد. در نسل دوم و سوم نیز کد گذاری باز انجام شده است که گزارشی از آن به پیوست خواهد آمد. کار مقوله بندی این دو نسل در حال انجام می‌باشد.

این مطالعه نشان می‌دهد که اقتصاد نقش بیشتری در دنیای ذهنی استادان مصاحبه شونده دارد. کدهای استخراج شده این مطلب را به خوبی بیان می‌کنند. البته این نکته در بین نسل‌های سه گانه متفاوت بوده اما کمابیش در بین آنها مشترک است. حتی در بیشتر موارد به نوعی فراکنی کرده و مسئله معیشت را به استادان جوان نسبت می‌دهند. اما بیشتر استادان نسل اول انجام کار علمی را با انگیزه و علاقه انجام داده و مادیات نقش تعیین کننده‌ای در کار علمی آنان ندارد. در راین راستا استادی از نسل اول معتقد است: «کار علمی پژوهشی را با انگیزه علمی و توسعه علم انجام می‌دهم. خیلی درآمدی در کار پژوهشی نیست و محرک اقتصادی ندارم» (048G1TM) ۱۹. یا مورد دیگر: «مادیات اگر در علم مؤثر باشد اما عامل اصلی نیست، می‌تواند به علم کمک کند» (071G1HM). بعضی استادان تغییر وضعیت اقتصادی را عامل به دنبال مادیات دویدن استاد می‌دانند. «در

از سمت چپ به ترتیب ۳ عدد اول کد مصاحبه، حرف و عدد بعدی نشان دهنده نسل، حرف بعدی نمایانگر رشته علمی و 19 حرف آخر نیز جنسیت را نشان می‌دهد. برای اطلاع بیشتر به جدول رمزگان کدگذاری در ابتدای این فصل مراجعه شود.



آن موقع رسالت استادی حکم می‌کرد که خودش را صرف کارش کند و با حقوقی که می‌گیرد به وظایف و نقش استادیش عمل کند. حقوق استاد آن موقع کفاف زندگیش را می‌داد و در حد شأن او بود. با وجودی که امروزه حقوق اساتید زیاد شده ولی با توجه به اوضاع اقتصادی، حقوق کفاف زندگی را نمی‌دهد و استاد مجبور است استاد پروازی باشد تا درآمد بیشتر کسب کند» (030G1HM). بنابراین «دغدغه مالی در کارکرد و عملکرد هم اثر می‌گذارد» (054G1HM). حتی معتقدند که اقتصاد در تعیین رشته دانشجویان نقش اساسی ایفا می‌کند: «الان به دلیل مشکلات اقتصادی این تفکر بیشتر شده که افراد به سمت رشته‌هایی بروند که درآمدزایی بیشتر دارند» (002G1HM). استادی معتقد است اقتصاد نزد خانواده‌ها از علم آموزی مهم‌تر شده است: «تربیت دانشجویان و درونی کردن فرهنگ دانشگاهی کار مشکلی است. عموماً خانواده‌ها بچه‌ها را برای آینده شغلی به تحصیل می‌فرستند و اصرار دارند آنها را به سمت حرفه و شغل پردرآمد سوق دهند ولی جامعه این تفکر را ندارد که فرد را از نظر علمی به سطح بالایی برساند و فقط گذران زندگی مهم است» (002G1HM). اقتصاد و بیکاری بر انگیزه دانشجویان نیز اثر گذاشته است: «انگیزه دانشجویان نسبت به قبل کمتر شده و بیشتر به فکر مدرک هستند چون کار ندارند و بازار کار ما مشکل دارد» (078G1BF). این اقتصاد و معیشت استاد تا حدی اهمیت دارد که سیاست‌تأمین رفاه برای آنان از مهم‌ترین کارها تلقی می‌شود: «اگر زمانی قدرتی داشتیم یکی از مهمترین کارهایی که برای هیئت علمی می‌کردم ایجاد رفاه مالی برای آنان بود. هیئت علمی باید اولین امکانات زندگیش را داشته باشد تا به کارهای علمیش برسد» (078G1BF).



شبهه ارتباطی مقوله شرایط اقتصادی نسل ۱

«کاهش سرمایه اجتماعی و تفرق در اجتماع علمی» نسل اول از ارتباط حداقلی چنین می‌گوید: «یکی از نقاط ضعف دانشگاه، ارتباطات حداقلی علمی و دوستانه و گپ و گفت‌های اجتماعی، فرهنگی و روابط خانوادگی و علاقه‌ها است. یکی از دلایل ضعف ارتباطات بین اساتید، تدریس‌های بیرون از دانشگاه و دوندگی برای معیشت است» (048G1TM). استادی می‌گوید: «در ایران فرهنگ تیمی ضعیف است» (047G1TM). استاد دیگری می‌گوید: «الان اساتید جوان به دنبال این هستند که چگونه پول بیشتری به دست آورند مثلاً کجا بیشتر حق التدریس بگیرند، کجا با تقلب بالا بروند و این خطرناک است. این روز به روز بدتر می‌شود» (051G1HM). و دیگری: «وقتی نقد صریح و صحیح یعنی نقد مثبت انجام می‌دهیم، جامعه و حتی جامعه علمی نمی‌پذیرد (یعنی کسی که نقص دارد نمی‌پذیرد). نقد باید باعث رفع نقص شود اما متأسفانه پذیرفته نمی‌شود. یک فرهنگ ضد نقد وجود دارد» (064G1AM).

نسل دوم: «همکاری بین اساتید خوب نیست و من هم معمولاً تعامل علمی ندارم. استادان خودشان پروژه می‌گیرند و با دانشجویان کار می‌کنند. کمتر دو استاد روی یک پروژه کار می‌کنند» (038G2TM). استاد دیگری می‌گوید: «ارتباط اساتید با هم خوب نیست. از امکانات آزمایشگاهی همدیگر استفاده نمی‌کنند و آنها را شخصی تلقی می‌کنند. امکانات و دستگاه‌ها باید برای همه باشد. همکاری اساتید با هم و نوع روابط بین اساتید دوستانه و غیررسمی است. دانشگاه قوانینی برای روابط بین اساتید ندارد و ارتباطات بین اساتید قوی نیست و همدلی ندارند» (036G2TM). استاد دیگر: «همکاران دانشگاهی غالباً مایل به انجام تنهایی کار علمی هستند تا به نام خودشان ثبت شود» (062G2TM).

نسل سوم: «رابطه اساتید با هم اصلاً خوب نیست و حرف همدیگر را گوش نمی‌دهند» (007G3BF). استادی می‌گوید: «در همایش‌ها قبلاً شرکت می‌کردم اما الان چون گران شده و هزینه همایش را باید افراد بپردازند. برای دانشجوی گران است نمی‌پردازد و ما هم شرکت نمی‌کنیم» (005G3TM). استاد دیگری می‌گوید: «قبلاً حریم استاد و دانشجو خیلی رعایت می‌شد اما الان نمی‌شود خیلی با دانشجو قاطی شد» (009G3BM).

شرح تحولات بین نسلی

نسل یک

فقط در نسل اول آن هم معدودی از استادان در دانشگاه‌های کشور را می‌بینیم که آخرین بازمانده‌های هیئت علمی قبل از انقلاب بوده باشند. یک «نسل گردانی» کامل صورت گرفته است و غالب هیئت علمی کشور حتی با سابقه‌ترین استادان نسل اول عمدتاً بعد از انقلاب و انقلاب فرهنگی در دهه ۶۰ شمسی وارد دانشگاه شده‌اند.

با وجود این، دوره رشد و تربیت کودکی و نوجوانی و تحصیلات ماقبل دانشگاهی نسل اول استادان در قبل از انقلاب و دهه ۳۰ و ۴۰ طی شده است. یعنی کودکی و آموزش دبستانی و دبیرستانی آنها در متن ناسیونالیسم ایرانی و نوسازی و رشد نفتی بوده است. همچنین خاطرات جوانی و دانشجویی و تجربه تحصیلات عالی آنها در دوره لیسانس مربوط به دهه ۴۰ و ۵۰ بوده است. در دانشگاه‌های دست نخورده انقلاب درس خوانده‌اند که روی هم رفته با الگوهای جهانی و غربی دانشگاهی در ایران به وجود آمده بودند. آنها در دوره تحصیلات لیسانس خود جنبش‌های دانشجویی و روشنفکری ایران قبل از انقلاب را تجربه کرده‌اند. اما تحصیلات فوق لیسانس آنها در دهه ۵۰ و ۶۰ انجام گرفته است که دانشگاه یا در قبل از انقلاب، تب انقلابی داشت یا وارد انقلاب شده بود و دوران انقلاب فرهنگی و سپس دوره جنگ تحمیلی بود. تحصیلات دکتری اینها نیز عمدتاً در دهه ۶۰ و ۷۰ انجام گرفته است؛ دورانی که جامعه از انقلاب و جنگ به سالهای پس از جنگ چرخش می‌کرد.

چنانکه ملاحظه می‌کنیم مسیر تحصیلات این نسل و گذر از یک دوره تحصیلی به دوره تحصیلی دیگر تاحدودی آهسته آهسته و در مضربهای حدوداً ده ساله بود و عمدتاً در دهه ۶۰ و بعضاً در قبل از انقلاب دارد هیئت علمی دانشگاه شده‌اند. نخستین تکانه‌ها و شوک‌هایی که این نسل در دوران زندگی خود با آن مواجه شده‌اند عبارت بود از شور انقلاب و آرمانخواهی در جامعه ایران، جنگ تحمیلی و سپس آتش بس و تغییرات سیاسی پس از آن.

اینها در پس ذهن و خاطرات خود احیاناً حس تحسّری چندگانه نسبت به ایام کودکی و جوانی خود از دوره‌های نهضت ملی، نوسازی، دانشگاه و علم مدرن، جنبش دانشجویی و درنهایت انقلاب و جنگ تحمیلی دارند.

در ذهن اینها کم و بیش درک ایده‌آلی از عمل ورزشی، علم سبک و علم نرمال هست. ارزش‌های ذاتی و ناب در عمل سراغ می‌گیرند. علم واجد ارزش‌های غیر پولی است ارزش‌های معرفت شناختی دارد. دانشگاه فرهنگ متمایز و خاص خود را دارد یک سبک زندگی است. هنجارهای آکادمیکی در آن هست.



ضمناً اینها بیشتر در گذشته با نسل اول دانشگاه‌های آموزشی خو گرفته بودند که در آن استاد محوری و استادشاگردی هست. سلسله مراتب علمی و نخبه‌گرایی و نخبه‌پروری علمی هست از اینکه صدف و خزف یکی شده است ناراحت‌اند. اینان تاحدی میل به اقامت در پردیس دارند. کمتر می‌خواهند درگیر کارهای اجرایی خصوصاً در بیرون دانشگاه بشوند. در آنها حرفه‌گری علمی هست اما کمتر مایل‌اند آن را به امور صنفی تقلیل بدهند. هنجارهای دانشگاهی را اصولاً غیر آیین‌نامه‌ای می‌دانند و از بورکراتیزه شدن علم در دانشگاه گله‌مند هستند و تنش و نگرانی‌شان همچنین سیاسی شدن و دولت زده شدن امر آکادمیک در ایران، آیین‌نامه‌ای شدن همه امور علمی، کاهش فرهنگ نقد و کاهش استقلال فکری و علمی است. اینها از پفکی شدن دانشگاه و پز و بیزک تهی از محتوا ناراحت‌اند. و از شیخوخت شبه علمی رنج می‌برند. نسبت به پارسال و پیرارسال حس حسرتی آشکار و نهان در آنها هست و ترسی نیز دارند از هجوم تکنولوژی به یک جامعه بدون آمادگی‌های لازم اجتماعی و فرهنگی و از نقش منفی اینترنت در اعمال علمی و آموزشی، پژوهشی ما در یک چنین شرایطی. اینها همچنین با مسأله کیفیت دانشگاه درگیر هستند.

#### نسل دو

نسل دوم هیئت علمی همه از حیث زمان ورود به جرگه هیئت علمی دانشگاهی متعلق به بعد از انقلاب و عمدتاً نیمه نخست دهه ۷۰ در دوره تعدیل و سازندگی هستند. هرچند دوره رشد و تربیت کودکی و نوجوانی و تحصیلات ما قبل دانشگاهی آنها در قبل از انقلاب و دهه ۴۰ و ۵۰ بوده است و خاطرات نوسازی و رشد نفتی را با خود دارند. تحصیلات لیسانس آنها مربوط به دهه ۵۰ و ۶۰ در قبل و بعد انقلاب طی شده است ولی فوق لیسانس را عمدتاً در دهه ۶۰ مقارن انقلاب فرهنگی و جنگ تحمیلی خوانده‌اند. تحصیلات دکتری آنها عمدتاً در دهه ۷۰ و در دوره سیاستهای تعدیل و سازندگی و اطلاعات صورت گرفته است که فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز وارد ایران می‌شد. از حیث مسیر تحصیلی، فاصله لیسانس و فوق لیسانس آنها کمتر شده است. نخستین تکانها در زندگی آنها یکی انقلاب و آرمانخواهی بود و سپس وقوع جنگ بعد از آن تحولات اجتماعی در متن جامعه ایران و درنهایت نیز پدیده‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات. کم و بیش ممکن است حس تحسری مرکب و چند گانه نسبت به نوسازی دانشگاه مدرن، دانشجوی انقلابی، احتمالاً انقلاب فرهنگی و جنگ تحمیلی و سازندگی و اصلاحات داشته باشند.

نسل دوم را تا حدودی می‌توان بیش از نسل اول، یک نسل دوررگه نامید. یعنی دوره گذر و جابجایی نسل نوسازی به نسل انقلاب در اینها بیش از نسل اول مشهود است. به علم کاربردی گرایش دارند و در علم جهانی - محلی گرا هستند. چرخش از دانشگاه آموزشی به دانشگاه پژوهشی برای آنها بیشتر مطرح است. از فرصتهای مطالعاتی صحبت می‌کنند. هرچند هنوز به هنجارهای آموزشی و دیسیپلینی‌های تحصیلی دانشجویان و استادشاگردی حساسیت نشان می‌دهند. اما به لحاظ فرهنگی، گرایش به ارزشهایی گرم ارتباطی و توده‌گرایانه در دانشگاه دارند و در فضای دانشجو محوری به سر می‌برند. در اداره دانشگاه آنها به رابطه دانشگاه و صنعت تأکید آشکارتری دارند. ولی هنوز تجاری شدن دانشگاه برای آنها با اما واگرایی همراه است و برای دانشگاهیان اصالت اجتماعی قائل‌اند. مسأله اصلی آنها اثربخشی دانشگاه است.

#### نسل سه

نسل سوم استادان دانشگاهی ایران را می‌توان نسل فابریک انقلاب تلقی کرد. دوره رشد و تربیت کودکی و نوجوانی و تحصیلات ما قبل دانشگاهی آنها در گذر قبل و بعد انقلاب طی دهه ۵۰ و ۶۰ و دوران انقلاب و جنگ بود. لیسانس را کلاً در دهه ۶۰ و دوره جنگ تحمیلی خوانده‌اند. دوره فوق لیسانس آنها در دهه ۷۰ مقارن سیاستهای تعدیل و سازندگی و اطلاعات و دوره دکتری آنها با فاصله کمتر عمدتاً در دهه ۷۰ و گاهی دهه ۸۰ و همزمان با دوره اصلاحات و پسا اصلاحات بود و در طی دوره تحصیلات تکمیلی خود با امواج اولیه فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور مواجه شده‌اند. بیشتر از دهه ۸۰ وارد دانشگاه شده‌اند و نوعاً

خیلی زود به استادی رسیده‌اند. تکانه‌های زندگی آنها جنگ و تحولات اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات و آشنایی با نسل بی‌چهارم Y و Z در جامعه بود. اینها شاید کمتر از نسل دوم و خصوصاً نسل اول حس تحسّر به گذشته دارند اما بازهم چه بسا خاطرات انقلاب و جنگ و سازندگی و اصلاحات با آنهاست. اینها با تغییر سبک دانش و ارزش‌های معادله‌ای در علم و با سرمشق علم و فناوری محشور هستند. احیاناً با انگیزه‌ای از علم دینی و هنر اسلامی. در واقع این نسل بیشتر از هر دو نسل احتمالاً بر اثر سیاست‌های فرهنگی اسلامی سازی بعد از انقلاب، به سوژه‌های اداره پذیری تبدیل می‌شوند. با این نسل است که در ایران چرخش به تجاری شدن دانش آغاز می‌شود. به مرکزیت پژوهش به جای آموزش قائل‌اند و پروژه‌های بزرگ علمی برای صنعت و بازار لازم می‌بینند درعین حال در ارتباط با دانشجویان بیشتر از دو نسل قبل، به ارزش‌های توده گرایانه و ارفاق به دانشجوی قائل هستند. طبقه جدیدی از آکادمیسین‌های اسلامی ظهور می‌کند که گاهی تصریح می‌کنند علم و هنر و دانشگاه در خدمت سیاست اسلامی باشد. در زندگی دانشگاهی اینها بیش از دو نسل قبل، شاهد صنف‌گرایی هستیم. مقاله آی.اس.آی برای آنها اهمیت بیشتری دارد. با منطق بگذار زندگی کنم آشناترند. هرچند ادبیات رسمی مذهبی در میان‌شان رایج است. درباب عملکرد دانشگاه بر لزوم ارتباط با صنعت حتی در رشته ادبیات تأکید دارند. رزومه برای آنها مهم است. آیین نامه گراتر و مدیریت گراتر هستند و از گرن‌تها صحبت می‌کنند. مسائلی که احساس می‌کنند کاهش انگیزه‌ها و سرد شدن روابط است نگرانی اصلی آنها مسأله کارایی و بهره‌وری دانشگاه است و اینکه دانشگاه‌ها نتوانند دانشگاه کارآفرینی باشند.

در جدول زیر تفصیلات مقایسات نسلی درج شده است.

ردیف	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم
علم	علم ایده آل و نرمال دارای ارزش‌های ذاتی و ناب ارزش‌های غیر پولی علم ارزش‌های معرفت شناختی علم	علم کاربردی علم جهانی - محلی	علم و فناوری تغییر سبک دانش ارزش‌های مبادله‌ای در علم علم دینی، هنر اسلامی
دانشگاه	هنجارهای آکادمیک دانشگاه آموزشی استاد محور استاد شاگردی سلسله مراتب علمی نخبه گرایی - نخبه پروری	چرخش به دانشگاه پژوهشی فرصت‌های مطالعاتی با وجود هنجارهای آموزشی دیس‌پلین‌های تحصیلی استاد شاگردی	چرخش به تجاری شدن دانش پرونده‌های بزرگ علمی برای صنعت و بازار مرکزیت پژوهش به جای آموزش توده گرایی علمی و ارفاق به دانشجویان

ردیف	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم
زندگی دانشگاهی	اقامت در پردیس یک سبک زندگی حرفه‌گری علمی و کمتر صنفي فرهنگ دانشگاهی متمایز	- ارزش‌های گرم ارتباطی نفوذ ارزش‌های توده‌گرایانه به دانشگاه فضای دانشجو محوری	صنف‌گرایی تولید مقاله آی.اس.آی و... بگذار زندگی کنم رواج گفتمان رسمی اسالمی و طبقه جدید آکادمیسین‌های اسلامی ادبیات رسمی مذهبی- اداره پذیر شدن اسلامی سوژه‌ها بر اثر سیاست‌های فرهنگی بعد از انقلاب
مسئله اداره دانشگاه در ایران و عملکرد دانشگاه	بوروکراتیزه شدن دولت زده شدن آیین‌نامه‌ای شدن امور علمی	رابطه دانشگاه و صنعت	لزوم ارتباط با صنعت حتی از رشته ادبیات اهمیت رزومه آیین نامه‌گرایی مدیریت‌گرایی گرن‌تها
دیگر مسائل دانشگاهی در ایران	یکی شدن صدف و خزف درگیری دانشگاهیان در کارهای اجرایی کاهش فرهنگ نقد کاهش استقلال فکری و علمی پفکی شدن پزو بزک تهی از محتوا شیخوخت شبه علمی	تجاری شدن دانشگاه گم شدن رسالت اجتماعی دانشگاهیان	کاهش انگیزه‌ها سرد شدن روابط

ردیف	نسل اول	نسل دوم	نسل سوم
نگرانی‌ها	هجوم تکنولوژی و آثار اینترنت در اعمال آموزشی و پژوهشی مسئله کیفیت دانشگاهی	مسئله اثر بخشی دانشگاه	مسئله کارایی و بهره‌وری دانشگاه ضعف کارآفرینی دانشگاهی

اما با وجود تفاوتی که در میان سه نسل توصیف شد نگرانی مشترکی بیش و کم در هر سه نسل مشاهده می‌کنیم از جمله این امور:

سیاسی شدن بیش از اندازه دانشگاه و غلبه امر سیاسی بر امر آکادمیک. (به جز معدودی از نسل که معتقدند علم و دانشگاه در خدمت سیاست اسلامی سازی قرار بگیرد)

سیطره کمیت و افت کیفیت

مسائل معیشتی استادان خصوصاً جوانترهای درگیر با مخارج مسکن و..

ضعف تعاملات اجتماعی

مقاله‌گرایی صوری

ارتقا گرایی پرشتاب جوان ترهای خود

گسترش بی رویه، بدقواره و ناموزون آموزش عالی

نادیده گرفته شدن تفاوتها و یکسان شدن بر موجودیتی که به نام دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی در کشور به راه افتاده است.

دولتی شدن مدیریت آموزش عالی و دانشگاه (به جز معدودی از نسل سوم که معتقدند علم و هنر دانشگاه ها در خدمت دولت اسلامی قرار بگیرد.)

ضعف همکاریهای علمی بین‌المللی

ضعف سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد و مشارکت

توصیه های سیاستی

فاصله های نسلی معناداری در این تحقیق مشاهده شد و به طور خیلی مشروح و تفصیلی یکان به یکان حسب ملاکها و معیارهای شاخص متنوع در فصول مختلف بویژه در فصل های چهار و پنج به دست داده شد که مطالعه آن برای مدیران و سیاستگذاران چه در سطح کلان ملی و چه در سطح مدیریت های دانشگاهی می تواند مفید باشد و دلالتی کاربردی برداشته باشد. در عین حال چند پیشنهاد نیز برمبنای این یافته ها در زیر یادآوری می شود:

الف. سطح کلان مدیریت آموزش عالی



در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مجمعی برای استادان دانشگاه‌های کشور تشکیل بشود. این مجمع لازم است صبغه غیر فرمایشی و غیر صوری و جدی داشته باشد. برای تشکیل این مجمع وزارت علوم صرفاً تسهیلگر و حامی باشد و ابتکار عمل به هیأت موسسی موجه و خوشنام و برجسته شناخته شده ای از استادان سرتاسر کشور، همه مناطق ده گانه و از همه گروه‌های عمده تحصیلی داده بشود. تأکید می‌شود که ترکیب هیأت مؤسس همه نسل‌های سه گانه تعریف شده در این تحقیق را پوشش کافی و متناسبی بدهد تا آنها پس از مشورت‌های مقدماتی، ترتیبات دعوت مجمع عمومی استادان و انتخاب هیأت مدیره باز هم‌چنان با تنوعات لازم گروه عمده تحصیلی و نسلی و مناطق ده گانه کشوری فراهم بیاید. این مجمع با تشکیل جلسات مشترک با وزیر و معاونان به مثابه یک اتاق فکر نیرومند آکادمیک پیشنهادهای سیاستی لازم برای آموزش عالی را از نسل‌های مختلف هیأت علمی کشور به سیاست‌گذاران آموزش عالی انتقال بدهد و در جامعه نیز این افکار و ایده‌ها و نقدها را ترویج بدهند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و کمیسیون آموزش مجلس و دیگر مراجع سیاستی در سیاست‌های مرتبط با نظام عامی و دانشگاهی و آموزش عالی لازم است، مشاوره‌های سیستماتیک و مؤثر قبلی را با مجمع استادان دانشگاه‌های کشور که به شرح بند یک تشکیل می‌شود به عمل بیاورند.

نتایج و یافته‌های تحلیلی این تحقیق در نشست‌های رؤسای دانشگاه‌ها و نیز معاونان آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها ارائه و تصمیم‌گیری‌های کلان بشود.

#### ب. سطح مدیریت دانشگاهی

هر دانشگاهی موظف باشد مجمعی از استادان خود را دربرگیرنده همه گروه‌های عمده تحصیلی موجود در آندانشگاه و شامل همه نسل‌های سه گانه تعریف شده در این تحقیق با ابتکار عمل خود استادان تشکیل بدهد. این مجمع اتاق فکر جدی در دانشگاه تلقی بشود. هیأت امنا، ریاست دانشگاه و هیأت رئیسه و شورای دانشگاه با این مجمع مشاوره‌های سیستماتیک و نهادمندی داشته باشند. پیشنهاد رئیس دانشگاه و دیگر پیشنهادهای سیاستی و راهبردی از سوی این مجمع انجام بشود.

مجمع استادان هر دانشگاه، اجتماعات هیأت علمی آن دانشگاه را هر شش ماه یک بار برای گفتگوهای میان نسلی تشکیل بدهند و نتایج آن را با مدیریت‌ها و ارکان دانشگاه در میان بگذارند.

مجمع استادان هر دانشگاه عالی‌ترین مرجع علمی برای آن دانشگاه تلقی بشود در موارد زیر:

برنامه‌های تضمین کیفیت دانشگاه

طرح‌های توسعه دانشگاه

برنامه‌های رشد و بالندگی هیأت علمی

اقدامات توسعه زندگی دانشجویی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی